اخبار

نقد «مریم» در آی‌فیلم

برنامه «تاریخ و سینما» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی ایزد مهرآفرین، امشب به نقد و بررسی فیلم ضدایرانی «مریم» می‌پردازد.

به‌گزارش امتیاز، خسرو معتضد در این برنامه فیلم سینمایی «مریم» را از نگاه تاریخی آن نقد و بررسی می‌کند.

این فیلم سینمایی محصول کشور آمریکاست و به ماجراهای یک خانواده ایرانی مقیم آمریکا در برهه اولین سال‌های پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ می‌پردازد.

فیلم «مریم» به‌کارگردانی رامین سری، در سال ۲۰۰۰ میلادی ساخته شد و دو سال بعد اکران شد.

«تاریخ و سینما» شنبه‌ها ساعت ۲۳:۳۰ برای مخاطبان آی‌فیلم در داخل کشور پخش می‌شود و تکرار آن در ساعت ۰۷:۳۰ روز بعد خواهد بود.

آی‌فیلم «در جست‌وجوی آرامش»

مجموعه تلویزیونی «در جستجوی آرامش» به کارگردانی سعید سلطانی از کانال فارسی آی‌فیلم به نمایش گذاشته می‌شود.

به‌گزارش امتیاز، «در جست‌وجوی آرامش» قرار است در باکس ساعت ۲۲ قرار بگیرد.

این مجموعه تلویزیونی ۴۰ قسمتی درباره شخصیتی به نام دکتر بهروز امینی است که از دانشمندان و پژوهشگران حوزه داروسازی در ایران است.

در این سریال مهدی هاشمی، فرشته سرابندی، داریوش فرهنگ، پژمان بازغی، محمد متوسلانی، حدیث میرامینی، کمند امیرسلیمانی، زهرا سعیدی و.... حضور دارند.

مجموعه تلویزیونی «در جست‌وجوی آرامش» از یکشنبه ۱۹ خرداد روانه آنتن می‌شود و بازپخش آن در ساعت‌های ۰۶:۰۰ و ۱۴:۰۰ خواهد بود.

سفر به کوچه پس‌کوچه‌های اردکان یزد با برنامه «ایران» هیسپان تی‌وی

برنامه «ایران» شبکه هیسپان تی وی که هر هفته در قالب گزارش‌هایی متنوع، زیبایی ها و جاذبه های تاریخی و فرهنگی کشور ایران را برای مخاطبان اسپانیایی‌زبان به نمایش می گذارد، این هفته مخاطبان خود را به شهرستان اهر در آذربایجان شرقی برده و در بخش دوم، آن‌ها را میهمان شهرستان اردکان یزد خواهد کرد.

به‌گزارش امتیاز، در بخش نخست برنامه «ایران»، طاهره بدخش خبرنگار این شبکه به معرفی شهرستان اهر یزد که جزو یکی از مناطق گردشگری استان آذربایجان شرقی محسوب می شود، خواهد پرداخت.

وجود تپه ها، مساجد، مقبره ها، قلعه ها و کاروان‌سراها از پیشینه تاریخی شهرستان اهر حکایت دارند که در کنار زیبایی هایی همچون جنگل های ارسباران، چشمه های آب معدنی، تالاب ها و صنایع دستی، زیبایی های این منطقه را دوچندان می کنند.

در ادامه این برنامه، بینندگان با طاهره بدخش همراه و مسافر شهرستان اردکان یزد خواهند شد. شهری که از آن به عنوان قلب کویر مرکزی ایران یاد می شود و با جاذبه هایی همچون کوچه پس‌کوچه های مسقف، منار جنبان خرانق، غاز اشکفت یزدان، قلعه خرانق، پارک ملی سیاه‌کوچه و مسجد جامع اردکان تجربه‌ای فراموش نشدنی را برای مسافران رقم خواهند شد.

برنامه «ایران» که در شبکه پرس تی‌وی، تولید و به صورت زبانگردانی از شبکه هیسپان تی‌وی پخش می شود، یکشنبه ها ساعت ۰۷:۴۵ دقیقه به روی آنتن این شبکه خواهد رفت و در ساعات ۱۲:۳۰ و ۱۸:۳۰ همان روز بازپخش خواهد شد.

با اضافه شدن دو بازیگر جدید

تدوین همزمان «گواهی امضاء» آغاز شد

با اضافه شدن دو بازیگر جدید به فیلم سینمایی «گواهی امضاء» به کارگردانی شهرام اسدزاده در روزهای پایانی فیلمبرداری، تدوین همزمان این فیلم آغاز شد.

به گزارش امتیاز، داریوش آهنچیان و آسیه اسدزاده جدیدترین بازیگرانی هستند که در روزهای پایانی فیلمبرداری به فیلم سینمایی «گواهی امضاء» به نویسندگی و کارگردانی شهرام اسدزاده پیوستند. با نزدیک شدن به پایان فیلمبرداری، تدوین همزمان این فیلم توسط بنیامین قچاق نیز آغاز شده است. امیر آقایی، نسیم ادبی، نادر فلاح، هامون سیدی، نازنین صلح جو، داریوش آهنچیان و آسیه اسدزاده بازیگران فیلم تازه اسدزاده هستند که تاکنون مقابل دوربین رفته‌اند و چند بازیگر دیگر نیز طی روزهای آینده به این پروژه اضافه خواهند شد. «گواهی امضاء» روایت متقاطع و پیچیده یک شبانه روز از زندگی فریبرز و محبوبه است که تصادف دختر بچه ۵ ساله‌شان (تینا) با اتومبیل گروه فاسدان، آنها را سر راه زوج دیگری به نام‌های اشکان و ندا قرار می‌دهد. در میان این هیاهو و درگیری‌ها هر کس به فکر نجات زندگی خودش از یک چند ضلعی تعقیب و گریز است تا گواهی برای تار و پود افکارش بدست آورد. عوامل این فیلم عبارتند از: نویسنده و کارگردان: شهرام اسدزاده، تهیه‌کننده: سید محمد قاضی، مشاور پروژه: سیروس الوند، مجری طرح: موسسه نقطه عطف سینما و تئاتر، مدیر تولید: رحمت عبدالله‌زاده، مدیر فیلمبرداری: مهدی ایل‌بیگی، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: علی آشتیانی، صدابردار: محمد صالحی، طراح گریم: دانیال شعاعی، طراح صحنه: حسین مجد، جانشین تولید: فروزان جنیران، دستیار اول فیلمبردار و نورپرداز: مصطفی بافرونی، طراح لباس: سمیرا کشورنژاد، منشی صحنه: شهرزاد مطلق، مدیر تدارکات: مراد خانه‌زاد، فیلم پشت صحنه: پریسا آزمایش، مشاور رسانه ای و مدیر روابط عمومی: مریم قربانی نیا، عکس: حسین خدارتی.

معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد: تیراژهای اعلامی مطبوعات غیرواقعی‌ست

رسانه‌های ما به پول نفتی و آگهی عادت کرده‌اند

محمد خدادی، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد اظهار داشت: به علت سرمایه‌گذاری مطبوعات ایران بر یارانه‌های نفتی و جذب آگهی از بنگاه‌های مختلف، سرمایه‌گذاری روی مخاطب و فروش روزنامه، به فراموشی سپرده شده است.

به فضای مطبوعات و رسانه‌ها در ایران، سخت‌ترین دوران مالی خود را از عهد ناصری تاکنون، پشت سر می‌گذارد. در این میان رسانه‌های مکتوب، دوران عسرت را با شدتی بیشتر از رسانه‌های دیداری، شنیداری و دیجیتالی می‌گذراند. تغییرات پی در پی در راس جایگاه سیاست‌گذاری مطبوعات، کثرت بی‌اندازه رسانه‌های چاپی ملی و محلی و گرانی افسارگسیخته کاغذ، فیلم و زینک و سایر هزینه‌های جاری چاپ، باعث شده تا این وضعیت رو به زوال، سیر انحطاطی شدیدتری به خود بگیرد. حضور محمد خدادی (که به تازگی به ریاست دارالطباعه دولتی منصوب شده) در خبرگزاری ایلنا، فرصت مغتنمی برای به اشتراک گذاردن نگرانی‌های صنفی و البته پرسش و پاسخ در رابطه با سامان و بی‌سامانی اقتصاد رسانه در ایران نیز، بهره دیگری بود که از این حضور و گفت‌وشنود دو ساعته حاصل شد.

*** سالی که گذشت، سال بسیار سختی برای مطبوعات بود از آن جهت که کاغذ بسیار گران شد و این گرانی کاغذ باعث شد که خیلی از مطبوعات تعطیل شوند و خیلی از همکاران ما در مطبوعات کاغذی که معروف‌ترین آنها همشهری بود، شغل خود را از دست بدهند. چه تمهیدی از جانب دولت و به ویژه معاونت مطبوعاتی، اندیشیده شده که این بحران کاغذ حداقل برای مطبوعات حل شود؟**

در مورد کاغذ سه اتفاق افتاد که ما به این‌جا رسیدیم. اتفاق اول به شرایطی که ترامپ به کشور تحمیل کرد، برمی‌گردد. که البته به عنوان یک جنگ تحمیلی اقتصادی، باید روی این کلیدواژه هم کار کنید؛ چراکه این دقیقا شبیه به جنگ تحمیلی نظامی است که بر ما در هشت سال دفاع مقدس توسط صدام تحمیل شد. در این جنگ تحمیلی اقتصادی ترامپ برجام را پاره کرد در آن جنگ تحمیلی صدام قرارداد الجزایررا پاره نمود. این شرایط که اتفاق افتاد، منابع ارزی کشور مسدود و محدود شد و طبیعتا روی هزینه‌ای که برای ارز داده می‌شد، فاصله به وجود آمد و شریان کاغذی که از خارج از ایران می‌آمد، دچار اختلال شد و در حین این ماجرا، کمبود کاغذ موجب تفاوت قیمت شد، بخشی از افراد و واردکنندگان کالاها، مانند واردکنندگان پوشک و برخی دیگر از کالاها، کاغذ را هم کنار پوشک و برخی دیگر از محصولات سلولزی قرار دادند و از آن استفاده دلالی کردند که اگر این اتفاق نمی‌افتاد، شرایط به این وخامت پیش نمی‌آمد! مورد دوم فاصله در تصمیم‌گیری بین اختصاص ارز نیمایی یا ارز کالاهای اساسی بود که واردات را متوقف کرد و مورد سوم نداشتن آمار مصرف واقعی رسانه‌های چاپی است که عملا باعث شده در شبکه توزیع اختلالاتی پیش بیاید.

*** به خاطر داریم که رهبری در جریان بازدید از نمایشگاه کتاب دستور ویژه‌ای خطاب به وزرای ارشاد و صنعت دادند، مبنی بر اینکه کاغذ باید هرچه سریع‌تر ارزان شود و این درحالی بود که فردای همان روز، ارز مرجع برای کاغذ حذف شد و ارز نیمایی جای آن را گرفت؛ این سیاست که حاصل عملکرد دولت بود، چه ارتباطی با دلالی داشت؟**

خیر؛ قبل از آن هم ارز ۴۲۰۰ برای کاغذ داده بودند. از اول سال هم کاغذ با ارز مرجع وارد شده بود و مقدارش هم کم نبود. به بسیاری از این دوستان مطبوعاتی هم، کاغذ با همان قیمت داده شده بود و الان هم اختلاف حجم کاغذی که آمده و توزیع شده بسیار بالاست. در این وضعیت، اولا نباید اشتباه کنیم، چراکه حجم واردات کاغذ برای کل کشور حدود چهارصد هزار تن است و حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار تن آن کاغذ مورد نیاز مطبوعات را شامل می‌شود و ۳۵۰ هزار تن آن، مصرف غیررسانه‌ای دارد که از این میزان هم حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن آن مربوط به حوزه صنعت نشر است و ۲۷۰ هزار تن آن هم، که مصارفی غیر از نشر و رسانه دارد. نکته دوم این است که بخش زیادی از رسانه‌ها به هر دلیلی، مصرف‌شان در ۶ ماهه اول سال گذشته که مشکلی نداشته است و حتی می‌توانیم بگوییم تا دی‌ماه هم مشکل نداشته است و تعدیل نیروهای روزنامه همشهری هم، در واقع ارتباطی به بحث قیمت کاغذ نداشت و یک مشکل مرتبط با حجم نیروی انسانی بود که مطابق با نیاز آن موسسه نبود. مسئله کاغذ، قریب به سه یا چهار ماه است که تبدیل به موضوع محوری در دستور کار قرار گرفته است و دقیقا همان زمانی که ارز در یک فشار بالایی قرار گرفت، دو اتفاق افتاد: یکی تصمیم در مورد تغیر گروه‌های تخصیصی ارز نیمایی به ارز ۴۲۰۰ تومانی بود که وقفه ایجاد کرد و این فاصله باعث شد که واردات به مشکل بخورد چون هنوز تصمیم نگرفته بودند و این اختلال در روند واردات کاغذ روزنامه‌ها ایجاد کرد نکته دیگر هم مشکل راستی‌آزمایی مصرف و رساندن کاغذ به دست مصرف‌کننده واقعی است که ما از اول خرداد به سیاست اعلامی صرف رسانه به عنوان آمار تیراژ دیگر اکتفا نمی‌کنیم بلکه راستی‌آزمایی صورت می‌گیرد.

*** در این جداول تخصیصی، کاغذ را به عنوان کالای اساسی به رسمیت نمی‌شناختند؟**

در آن مقطع را عرض می‌کنم. نهایتا در جلسه با آقای جهانگیری این قطعی شد. در واقع لکنتی ایجاد شده بود و آن لکنت، باعث این اتفاقات شد؛ درحالی‌که کاغذ در گمرک بود و واردکنندگان با ارز ۴۲۰۰ تومان می‌خواستند آن را وارد کنند، گفته بودند باید ارز نیمایی بدهی و در سازوکار مرتبط با ارز نیمایی هم، مشخص نبود که تخصیص بدهند یا ندهند! از روزی که آقای جهانگیری آن جلسه را گذاشت، تصمیم را گرفتند و کاغذها الان در حال ترخیص است و می‌آید و ما کارهایش را انجام می‌دهیم. پس این بحران، اولا سه یا چهار ماه بود و کل سال نبود؛ ثانیا ما می‌گوییم از امروز تا دو سال دیگر، مثلا ما این مشکل را داریم و با این موضوع چه کار باید بکنیم؟ ما باید این کاغذ را، از جایی که برداشته می‌شود، باید به‌طور مستقیم به چاپخانه برسانیم و نگذاریم که خرج مصارف دیگری بشود؛ بدون تعارف باید بگوییم، در جامعه ما، بخش‌های دلالی وجود دارد که این کاغذ را مثل همان کسی که از پوشک و گوجه‌فرنگی به سود می‌رسد و از دارو و کاغذ هم می‌خواهد همین استفاده را کند، ما نباید بگذاریم که دست آن آدم سودجو بیافتد.

*** با همه این تعاریف، حدود ۸۰ هزار تن کاغذ، مورد استفاده صنعت نشر و همچنین مطبوعات ایران می‌شود و بخش عمده‌ای از مصرف کاغذ ما در دوایر دولتی به مصرف می‌رسد و بخش‌هایی از این کاغذها، صرف چاپ و انتشارات مجلات رنگی با کاغذهای گلاسه توسط نهادهای دولتی می‌شود. برای این جنگ تحمیلی اقتصادی که به قول خود شما ممکن تا چند سال نیز به طول بیانجامد، دولت، تا چه اندازه سیاست paperless (حذف کاغذ از فرآیندهای اداری) را در دستور کار خود قرار می‌دهد؟**

اجازه دهید قسمت دوم را هم بگویم تا به این‌جا هم برسیم. ما آمدیم و یک کمیته کاغذ در معاونت مطبوعاتی با دو هدف عمده تشکیل دادیم. نخستین هدف، راستی‌آزمایی از تیراژ مطبوعات است؛ چون تا به حال تیراژ ما اعلامی بوده است و به حسب تجربه و گزارش‌هایی که به ما رسیده است، تیراژ مطبوعات و مجلات، واقعی اعلام نمی‌شود! و ما به همین دلیل شرایطی را قرار داده‌ایم که از این پس، هرآنچه که چاپ می‌شود، تیراژ محسوب شود نه آن‌چه که اعلام می‌شود. لذا مصرف کاغذ واقعی می‌شود. دوم این‌که کاغذ را دقیقا به ماشین چاپ می‌رسانیم. یعنی به چرخه چاپ می‌رسد و این به شکل خود به خود، هرگونه سوءاستفاده مستقیم و استفاده ثانویه را از کاغذ برطرف می‌کند. در مورد paperless هم، اساسا در دولت بخشنامه شده است و در قانون بودجه سال جاری هم آمده است که، دستگاه‌ها حق چاپ بولتن و آثار کاغذی را ندارند و هر نوع چاپ سررسید، بولتن و نشریه در دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی ممنوع است و باید paperless شوند. چیزی که می‌ماند، رسانه‌هایی هستند که از بودجه دولتی ارتزاق می‌کنند. در این‌ها غیر از رسانه‌هایی که در قانون بودجه، برایشان بودجه در نظر گرفته شده است، ما به عنوان وزارت ارشاد، هیچ نوع حمایت و کمکی از بابت بودجه، به رسانه‌های دولتی نمی‌کنیم. البته برای کاغذ، رسانه‌هایی که در تیراژ بالا هستند ـ مثل همشهری – ایران ـ کمک می کنیم.

*** از زمانی که شما تصدی معاونت مطبوعاتی را برعهده گرفتید، کلیدواژه اقتصاد رسانه به مسئله اصلی در مباحث شما بدل شده و صحبت‌هایی هم مبتنی بر حمایت بنگاه‌های بزرگ اقتصادی از رسانه‌ها داشتید؛ با این حال این نگرانی به وجود می‌آید که با حمایت بنگاه‌های اقتصادی بزرگ دولتی از رسانه‌ها، استقلال حرفه‌ای آن‌ها را مخدوش کند. چه راهکاری برای مرتفع کردن این نگرانی وجود دارد؟**

بحث اقتصاد رسانه، به نظام عرضه و تقاضا برمی‌گردد. ببینید من قبلا هم گفته‌ام که مردم از شیر آب لوله‌کشی هم می‌توانند بخورند ولی آب معدنی می‌خرند؛ پس چرا پولی برای رسانه و اطلاعات نمی‌دهند؟ اینجا حتما اختلالی هست و این برمی‌گردد به این‌که ما در گذشته از رسانه به مخاطب می‌رسیدیم، چون انحصار رسانه‌ای و انحصار اطلاعات داشتیم. امروز، این انحصار برداشته شده است و برای این‌که این اطلاعات، در سبد زندگی خانواده وارد شود باید این چرخه عرضه و تقاضا را دوباره معنا کنیم وگرنه به زور که نمی‌شود مردم را به خواندن روزنامه وادار کنیم و بگوییم شما باید در سبد هزینه زندگی‌تان پول خرید اطلاعات هم بگذارید. شما تصور کنید که ما الان به صورت نامحدود کاغذ و پول دادیم. آیا مردم، محصول آن رسانه را می‌خرند و مشکل حل می‌شود؟ اما در کشور هند روزانه ۳۷۰میلیون روزنامه بدون کمک ویارانه و ... چاپ می شود و مردم می‌خرند و این نشان می‌دهد که عرضه و تقاضای روزنامه وجود دارد چراکه روزنامه‌ها مطالب تولیدی خود را کار می‌کنند نه اینکه مطالب تولید شده توسط دیگران را منتشر کنند. وقتی شما روزنامه‌ای را می‌خرید، می‌خواهید اطلاعات آن رسانه را خریداری کنید نه محتوای دیگر رسانه را. مشکل دوم ما در این زمینه، تکثیر رسانه است. در این وضعیت که دستگاه‌های ما رسانه‌دار شده‌اند و خودشان جای رسانه نشسته‌اند، این یکی از مشکلات اقتصاد رسانه است که پولی که طرف باید در رسانه خرج کند، می‌گوید من خودم رسانه دارم و تعدادی عکاس و خبرنگار هم می‌آورد و این در حالی است که اصلا کارکرد رسانه‌ای ندارد بلکه کاملا کارکردش تبلیغی است و عملا این تبلیغ به ضد خودش بدل می‌شود. این یک مشکل است که دستگاه‌هایی که در حاکمیت هستند باید از رسانه‌داری بیرون بیایند و دیگر این‌که چرخه عرضه و تقاضا، فرآورده‌های اطلاعاتی است. یعنی شما امروز وقتی می‌بینید بازار شوینده‌ها در کشور سرپاست، برای آن است که فرآورده‌هایش را تغییر می‌دهد بر اساس ذائقه مردم؛ ولی ما محصولات رسانه‌ای‌مان همچنان مانند دهه شصت و هفتاد است و نهایتا در یک مدل مجله با همان تیتر و همان فرمت است. فرآورده‌هایی که در شبکه‌های مجازی است، اتفاقا فروش خوبی دارند. محتواسازی، عرضه و تقاضا و دسترسی این‌ها سه نکته‌ای هستند که باید مورد توجه باشند.

توزیع یارانه فقط مبتنی بر یارانه نقدی و کاغذ نیست و دسترسی‌های مبتنی بر اطلاعات را هم شامل می‌شود. مثال‌های داخلی و خارجی زیادی داریم. روزنامه ینی‌شفق ترکیه اطلاعات قتل خاشقچی را با یک واسطه فروش اطلاعات، از سفارت عربستان خرید و در جریان افشای ماجرا، با انتشار قطره‌چکانی اطلاعات، روزنامه‌ای که دویست هزار تیراژ داشت، به تیراژ پانصد هزار رسید. در ماجرای فساد فردیناند دولسپس در کانال پاناما روزنامه لیبرال پغول فرانسه که با افشاگری‌هایی که کرد، به نیم میلیون تیراژ رسید و روزنامه یومیوری ژاپن هم همین‌طور بود ولی این منابع اطلاعاتی در اختیار همه رسانه‌ها قرار نمی‌گیرد و برخی از رسانه‌های داخلی هم، با در اختیار داشتن اطلاعات، حتی در رده‌های فوق سری، به حیات خودشان ادامه می‌دهند و رسانه‌های دیگر را محدود می‌کنند.

*** آن‌چه که شما می‌گویید از یک زاویه است. اطلاعات راجع به خاشقچی یا کانال پاناما امنیتی هست اما چرا امکان خرید و فروش اطلاعات در ایران وجود ندارد؟ چرا دولت در این زمینه، لایحه‌ای به مجلس نمی‌فرستد که خرید اطلاعات به رسمیت شناخته شود؟**

تامسون رویترز پروژه تولید اطلاعات و جذب مشترک درمورد قهوه در آمریکای لاتین درست کرد و دارد پول پارو می‌کند. ولی چای‌کاران ما ـ که بازار چای بزرگی هم در کشور دارند ـ هنوز رسانه‌ای ندارند که بتواند به آنها اطلاعات و خبر بدهد و این‌ها هم نیاز دارند. الزاما فقط خبر نیست که باید در دستور انتشار قرار بگیرند. بلکه بعد از خبر – موضوعات پنهان جامعه که رسانه مورد توجه قرار می‌دهد و هزاران موضوع که به عنوان نیاز در زندگی مردم می‌تواند مورد توجه رسانه باشد وجود دارد. ما باید باور کنیم که در مدل‌های فرآورده‌سازی و دسترسی به اطلاعات در کشور ما، یک چرخه معیوب است که بخشی از این هم به ما برمی‌گردد که معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد هستیم. ما باید بتوانیم بستری فراهم کنیم که آگاه‌سازی کنیم و موانعی که هست را برطرف کنیم؛ در حقیقت باید ساختارهایش را ایجاد کنیم. حرف من این است که بالاخره هر کدام از این رسانه‌ها، از جایی ارتزاق می‌کرده‌اند و این اقتصاد نفتی همین بوده است و فلان رسانه نیازی نمی‌دیده که برود و تلاشی برای درآمد کند. بیشترین ارتزاق رسانه‌ها بدون تعارف، از فرصت‌هایی بوده که برایشان از طریق کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی ایجاد می‌شده است نه از بازار فروش! بازار فروش در ایران هیچ‌وقت حرف اول را در رسانه‌ها نمی‌زده و در واقع، بازار فروشی نبوده است. شما تمام رسانه‌ها را هم که بگردید درحالی‌که در بسیاری از کشورها، بیشترین درآمد روزنامه از فروش است نه از آگهی! هندوستان‌تایمز و هرالد تریبیون و ... همه از فروش، کسب درآمد دارند؛ زیرا که روی خواننده سرمایه‌گذاری می‌کنند. ما روی خواننده سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم. روی بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنیم که به ما آگهی بدهند. ساختار رسانه ما این بوده است. برای همین است که شما نه شبکه توزیع قوی در ایران دارید و نه شبکه تولید اطلاعات! در نهایت ما مهارت کار رسانه‌ای را نتوانستیم در کشور توسعه بدهیم و یکی از مقصرانش هم خود ما بوده‌ایم.

*** در رابطه با بیمه خبرنگارانی که از جانب وزارت ارشاد بیمه می‌شوند و مشکل بازنشستگی از جانب تامین اجتماعی دارند، دولت چه تدبیری اندیشیده؟ سیاست دولت در قبال نیروهایی که تعدیل شده‌اند، چه از جهت بیمه بیکاری و چه از جهت بیمه تکمیلی چگونه خواهد بود؟**

ما حدود ۳۰۰۰ خبرنگار را در لیست بیمه وزارت ارشاد داریم که البته رقم زیادی است ولی نمی‌توانیم تعداد خبرنگار بیشتری را تحت پوشش بیمه قرار دهیم. در رابطه با بیمه این خبرنگاران که به علت دولتی بودن لیست بیمه، مشمول سختی کار نمی‌شوند هم، سعی می‌کنیم با تشکیل کارگروهی از جانب خبرنگاران و افراد خبره، این معضل را مرتفع کنیم. سعی می‌کنیم تا در یک سایت یا مرکز خاص، مشاوره حقوقی برای این افراد و همچنین برای افرادی که تعدیل شده بودند ـ و البته ما آمار دقیقی از تعدادشان در دست نداریم ـ هم، سعی می‌کنیم که با پرداخت بیمه بیکاری و همچنین تلاش برای برقراری بیمه تکمیلی، بکوشیم که مشکلات کمتری داشته باشند.

نگاهی به «سه‌شنبه»، نوشته‌ی آراز بارسقیان

یک میان‌پرده در جنون و زندگی

«سه‌شنبه» آراز بارسقیان، یک ملودرام در ستایش زندگی است. اگرچه می‌توانست پایانی دریغ‌ناک داشته باشد و تراژدیِ آربی آراکلیانِ سرگشته را طور دیگری به فرجام برساند.

به گزارش خبرنگار مهر، رمان «سه شنبه» تازه‌ترین اثر منتشر شده توسط آراز بارسقیان نویسنده و منتقد ادبی است که توسط نشر اسم روانه بازار کتاب شده است. در ادامه یادداشت احسان حسینی‌نسب روزنامه‌نگار و نویسنده را درباره این رمان می‌خوانیم. این یادداشت برای انتشار به طور اختصاصی در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته است.

حمید هامون، مهشید را از دست داده است. زندگی روی رویاگونه‌اش را از هامون دریغ کرده و صورتِ زشتِ کابوس‌وارش را به او نمایانده است. هامون در سرگشتگی است؛ هامون، خودْ سرگشتگی است. او پس از عبور از فرازها و فرودهای بسیار، پس از آنکه مهشید طردش می‌کند، پس از درک ناتوانی در به فرجام رساندن شغلش، پس از سرخوردگی در وجه زندگی روشنفکرانه، مایوس و سرخورده و بی‌همراهْ خود را به جریان طبیعت می‌سپارد؛ چنانکه در اوج سرگشتگی، ناتوان‌تر و ناامیدتر و خسته‌تر از همیشه به دریا می‌زند. آب او را با خود می‌برد و ما، انسان‌های ملول از مشاهده‌ی سرگشتگی و ملالِ بی‌پایان حمید هامون، پایان سرگشتگی او را در دریا به انتظار می‌نشینیم. پایان سرگشتگی او آب است. آب، بناست حمید هامون را با خود ببرد و این تنها راه نجات اوست، شاید.

شاهکار مهرجویی سال‌هاست که در بطن خود، قصه‌ی آدم‌های سرگشته را پرورانده است. هر انسانی، فهم‌شده یا نافهم، بخشی از شخصیت حمید هامون را در خود دارد. اگر کسی این سرگشتگی و ملال را فهمید، حبذا؛ اگر نه، می‌تواند مصداق آن بیت معروف باشد که «آن‌کس که نداند و نداند که نداند / در جهل‌مرکب ابدالدهر بماند.» حمید هامون به این سرگشتگی التفات دارد. او جریانِ پرقدرتِ حیات را درک می‌کند و به ناتوانی و نادانی خود در مقابل اینِ چرخه‌ی بزرگ هم وقوف دارد. هامون نمی‌تواند چرخ‌دنده‌های زندگی و اندیشیدن را توامان با هم به حرکت دربیاورد. پس ناچار، یک‌جایی از نفس می‌افتد و لای این چرخ‌دنده‌ها بازی را نیمه‌کاره رها می‌کند. وامی‌دهد و می‌ریزد. خود را به آب می‌سپارد تا این «سرگشتگی»، با «جنون» به پایان برسد.

اما این یادداشت، قصه حمید هامون نیست. قصه‌ی آربی آراکلیان است که شباهت‌هایی بنیادین با حمید هامون دارد و تفاوت‌هایی هم. آربی آراکلیان از نخستین پرده‌ی «سه‌شنبه» سفر آفاقی و انفسی‌اش را با جنون آغاز می‌کند. قهرمان، سرگشته و ملول، راه نجات را در پیوستن به جریان طبیعت می‌داند؛ طبیعتِ پدیده‌ای به اسم سفر. خشک و غیرمنتظره. غیرقابل پیش‌بینی. مناسبِ روحِ آدمِ ملولی که دیگر هیچ چیزی برای از دست دادن ندارد. برای آربی از همان آغاز قصه پیداست که سرنوشت او را جنون رقم می‌زند. او ناچار است به دریا بزند. چنانکه پس از طرد شدن توسط شقایق، پس از درک طی مسیر اشتباه در کار حرفه‌ای، پس از ناامیدی در به‌فرجام‌رساندن کار نیمه‌ی کاره‌ی تئاتر، پس از سرخوردگی در وجهِ روشنفکرانه‌ی زندگی، مایوس و سرخورده خود را به دریا می‌سپارد؛ دریای سفر. سفری آفاقی، که آربی در خویشتن می‌کند و روزگارِ رفته‌اش را شخم می‌زند و سفری انفسی، که صورتِ روشنفکرانه‌ی سفرِ روزگار ماست و در آن، آربی از تهران به بوشهر می‌رسد.

سفر آفاقی آربی لابد باید شخصیتِ ستیهنده‌ی او را برای ما بشکافد و بگذارد پیش رویمان. شخصیتِ او آشنا نیست. او نویسنده است اما مانند نویسندگان هم‌گن، جویای نام نیست. برخلاف تیپِ نویسنده‌ی جویای نام که برای معرفی خود اتیکت‌های خود را دارد، آربی خراباتی است. وقتی که اشتباه می‌کند، آگاهانه و با خِردش اشتباهش را انتخاب می‌کند و به خطایش معترف است. آربی به ستیز با خویشتن نشسته است و به این ستیز وقوف دارد. از آن فرار نمی‌کند. به سفر می‌رود، تا سفر، ابزار صیرورت روحِ آربی را تامین کند.

اهل سفرهای تجربی، خاصه هیچ‌هایک -مفت‌سواری- می‌دانند که در فرمِ این سفر -که به‌زعم بسیاری، سفری غیرمعمول محسوب می‌شود- سفر نوعی سلوک به شمار می‌آید و مسافر نیز، سالک محسوب می‌شود.

هیچ‌هایک اگرچه ظاهراً فرمی غربی دارد، اما سرشار از اشراق است. مسافر در سفرِ تجربی، به تماشای طبیعت نمی‌نشیند، بلکه طبیعت بخشی است از سفرِ او. این فرم از سلوک، دعوتی است به غور و تفحص در کار خویشتن و در کار جهان. هیچ‌هایکر در سفر مفت‌سواری، فرصت می‌یابد تا خود را عریان و بی‌ابزار، در معرضِ طبیعتِ سفر کردن قرار دهد. چه این‌که خود را در معرض اقتضای طبیعتِ سلوک قرار دهد و چه اینکه خود را در معرضِ بی‌شمارْجهان‌های موازیِ آدم‌های توی راه که او را نه به‌عنوان یک مسافر، که به‌عنوان یک راهرو و سالک می‌شناسند. هیچ‌هایکر حتی اگر برنامه‌ی روشنی برای سفرش داشته باشد، حتی اگر نقطه‌ی مبدا و مقصدش را بداند و برای طی مسیر برنامه‌ای دقیق داشته باشد، باز هم خود را مقهور جریان سفر می‌داند. یعنی در سفر هیچ‌هایکی، مسافر برنامه‌ریز سفر نیست؛ بلکه طبیعت است که برنامه‌ی سفر را تعیین می‌کند.

«سه‌شنبه» آراز بارسقیان، یک ملودرام در ستایش زندگی است. اگرچه به‌زعم نگارنده سه‌شنبه می‌توانست پایانی دریغ‌ناک داشته باشد و تراژدیِ آربی آراکلیانِ سرگشته را چنانکه به شهادت «یکشنبه» و «دوشنبه» در سرگشتگیِ مدام بود، طور دیگری به فرجام برساند؛ اما آراز بارسقیان ترجیح داده که زنده بودن را به زندگی کردن برساند، و قهرمان داستانش را در واپسین پرده از این تریلوژیِ ایام هفته، در سرگشتگی و عسرت رها نکند.

اخبار

پایان دوازدهمین دوره مسابقات بین المللی قرآنی شبکه الکوثر

قاری عراقی نفر اول شد

در دوازدهمین دوره از مسابقات بین المللی قرآنی «ان للمتقین مفازا» شبکه الکوثر معاونت برون مرزی ، قاری از کشور عراق نفر اول مسابقات شد.

به‌گزارش امتیاز، در شب پایانی دوازدهمین دوره از مسابقات قرآنی «ان للمتقین مفازا» در شبکه الکوثر، پنج نفر به رقابت نهایی در این مرحله پرداختند

در این مرحله « فلاح زلیف » از عراق با امتیاز ۹۲/۲۵، نفر دوم « أحمد السید الغیطانی» از مصر با ۹۲/۲۵امتیاز و نفر سوم « محمد محمدی» از آلمان با ۹۱/۵ امتیاز ، نفر چهارم «سید فؤاد شوکاوی» از جمهوری اسلامی ایران با ۹۱ امتیاز ، نفر پنجم « محسن شجاعی» از افغانستان با ۸۷/۵ امتیاز برگزیده شدند.

در مرحله پایانی این مسابقات ، نفر اول و دوم در جمع امتیازات مساوی شدند اما بر اساس آئین نامه داوری در صورت تساوی دو نفر ، ابتدا نمره تجوید و سپس لحن و پس از آن صوت و در نهایت بر اساس وقف و ابتدا مقایسه و ارزیابی شدند. در این مورد قاری عراقی از لحاظ لحن امتیاز بالاتری از قاری مصری با اختلاف خیلی کم بالاتر بود و نفر اول شد .

«فلاح کسمایی قزوینی» از ایران داور تجوید، «محمد فهمی عبد السید عصفور» از مصر داور وقف و ابتدا، «میثم عبد الحسین عریف الرکابی» از عراق داور لحن و «نورالدین خورشید» از سوریه داور صوت ، قضاوت و داوری در مرحله نهایی و شب فینال این سری از مسابقات «مفازا» را به عهده داشتند.

مسابقه قرآنی ان للمتقین مفازا، برنامه ای تلویزیونی و ابتکار شبکه الکوثر است که از ۱۲ سال پیش ، هر ساله در ماه مبارک رمضان به صورت زنده به روی آنتن شبکه الکوثر می رود و توانسته نظر مخاطبان بسیاری را در کشور های مختلف به ویژه در کشور مصر، مهد قرائت قرآن ، به خود جلب کند.

پخش «هوش سیاه» از شبکه الکوثر

دوبله عربی فصل دوم سریال «هوش سیاه» به کارگردانی مسعود آب پرور از شنبه ۱۸ خرداد در کنداکتور پخش شبکه الکوثر قرار گرفت.

به‌گزارش امتیاز، با اتمام فصل اول این مجموعه تلویزیونی که به تعقیب و دستگیری مجرم رایانه ای و خرابکاری به نام «جمشید کاظمی» (کیکاووس یاکیده) انجامید، در فصل جدید مجرم دستگیر شده با طرح نقشه ای هوشمندانه موفق به فرار از زندان شده و سرگرد احمدی (حسین یاری) به همراه تیمی متشکل از کارآگاهان زبده برای دستگیری مجدد او وارد عمل می شوند و.....

سایر بازیگران این مجموعه تلویزیونی عبارتند از: کیهان ملکی ، مجید واشقانی ، ارسلان قاسمی ، مجید ابراهیمی ، جمشید گرگین ، کمند امیرسلیمانی.

«هوش سیاه ۲» به جایگزینی سریال «خدا حافظ بچه» در ۲۶ قسمت ۴۵ دقیقه ای هر روز از ساعت ۱۷:۰۵ به وقت تهران با تکرار روز بعد ساعت